

((بسم الله الرحمن الرحيم))

مقدمه :

الحمد لله رب العالمين وبه نستعين، ثم الصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وأفضل المرسلين، محمد صلى الله عليه وعلى أهل بيته الطيبين الطاهرين.

با خود عهد بستم که در راه تبلیغ اسلام ناب محمدی که از سر چشمه زلال غدیر خم سیراب گشته از هیچ کوششی فروگذار نکنم .

بر این اساس آستین همت را بالا زده وقف و زندگی خود را وقف این هدف نموده ام اما مواجهه خلاء ها و کاستی هایی شدم که برطرف ساختن آنها را وظیفه خود دانستم .

از سویی با شبهه افکنی هایی روبرو شدم که گرچه به عنوان حقایق تردید نا پذیر دین معرفی شده اند اما هیچ گونه ارتباطی بادین و آیین حق ندارند و پی بردم که ایادی و اقطار آلوده ای در تلاشند که این گونه بدعت ها را در میان عموم مردم منتشر سازند و بدینوسیله می کوشند تا به جبهه ی شیطان بزرگ که با اهرمهای مختلفی از آن حمایت می کند کمک کنند .

اما این گروه در روند مبارزه ای که علیه اسلام و بیداری مسلمانان آغاز کرده بودند دچار چالشی بزرگ شدند که برون رفت از آن به این آسانی ها ممکن نبود از این رو شمشیرهایشان را از رو بسته و به جنگ با مسلمانان قیام کردند .

بسیاری از دانشمندان متعهد و دلسوز احساس خطر کردند و زندگی خود را وقف مبارزه با چنین جریانهای کردند و به لطف خدا موفق شدند با تألیف کتاب و بهره برداری از کانالهای ماهواره ای و با کمک رایانه حقایق ناب دینی را در سر تا سر جهان بویژه در منطقه شام و آفریقا به گوش مردم برسانند . اخباری که در این زمینه وجود دارد حاکی از پیروزی بزرگ طرفداران اسلام ناب محمدی در برابر خط مشی شیطانی و اموی می باشد .

((آیه)) ابراهیم 24-25

از سویی دیگر مشاهده کردم عده زیادی از شیعیان و عاشقان اهل بیت با همه علاقه شان به این راه نجات بخش از محتوای این گنجینه گرانسنگی که در اختیار دارند بی خبرند و از عمق معارف

و آموزه های اهل بیت آگاهی چندانی ندارند بدون شک در قرآن کریم و احادیث بر مسئله اهل بیت (ع) بسیار تأکید شده است و پیامبر فرموده اند : ((میان اهل بیت و قرآن هرگز جدایی وجود ندارد)) اما این ستمگران تاریخ بودند که میان این دو وزنه بزرگ تفرقه ایجاد کردند . در اینجا بود که احساس کردم مسئولیت بزرگی بر دوش علماء اسلام نهاده شده است و در اولویت این مسئولیت ما تفسیر قرآن کریم و تبیین حقایق آن از رهگذر احادیث اهل بیت (ع) قرار دارد چرا که تعداد قابل توجهی از آیات کریمه قرآن از جهت مفهوم و مصداق نیازمند به رهنمودهای آن بزرگواران می باشد و پی بردن به بسیاری از این حقایق قرآن بدون رجوع به اهل بیت امکان پذیر نیست و قرآن نیز بر همین حقیقت تأکید دارد آنجا که می فرماید : ((آیه)) واقعه 77-79

بدیهی است مقصود از کسانی که پاک و پاکیزه اند منحصرأ اهل بیت عصمت و طهارت می باشند و قرآن به صراحت در آیه دیگری از این مسئله سخن می گوید . احزاب 33

همه این حقایق که ذکرش رفت باعث شد که عزم خود را در دستیابی به این گنجهای پنهان جزم کنم و به قدر توان و توشه ای که دارم آنها را برای مشتاقان و علاقه مندان بازگوکنم و امید آن دارم که خداوند که از هر کسی بر حال انسان آگاه تر است این کار را به عنوان یک سنت حسنه از من بپذیرد . نوشتار مختصری که هم اکنون آنرا ملاحظه می کنید گوشه ای از این تلاشهاست و حاصل سخنرانی هایی است که در عاشورای سال 1425 در بحرین ایراد کردم و پس از تنظیم و ویرایش با این سطح از کیفیت و با عنوان ((کشتی نوح)) تقدیم به شما خوانندگان گرامی می شود و به فضل خدا این نخستین سلسله نوشتارهایی است که با عنوان شناخت ((اهل بیت علیهم السلام)) آماده چاپ شده است . ((آیه)) ((یا ایها العزیز))

عاشق و خدمتگزار اهل بیت (ع)

ابراهیم انصاری

18 ذی الحجه 1425

((بسم الله الرحمن الرحيم))

سپاس پروردگاری را سزاست که پروردگار جهانیان است و درود بر محمد(ص) و خاندان پاکش چون کشتی نجات بخش در میان امواج فرو برنده روان است . هرکه بر او سوار شود ایمنی خواهد یافت و هرکه به آن پشت کند غرق خواهد شد و لعن و نفرین خداوند بر تمامی دشمنانشان تا روز واپسین .

کشتی نوح

کشتی نوح کشتی بزرگی بود که توسط حضرت نوح که پیامبری از پیامبران الولا عزم خداوند بود ساخته شد نوح که نجار نیز بود نخستین کشتی را ساخت که بر روی آب حرکت می کرد و خداوند به او فرمان داد که کشتی را بزرگ و وسیع بسازد و در کار خود شتاب ورزد نوح با دست خود آن کشتی را در میان مسجد کوفه در دل روستایی که در کنار فرات و در غرب کوفه یعنی در همان جایی که خانه او وقومش قرار داشت ساخت هم چنانکه منطقه جودی که کشتی بعد از طوفان بر آن قرار گرفت نیز در کنار رود فرات در کوفه بود و نوح در ساختن کشتی از چوبهای درخت ساج کمک گرفت اما کسی که ساختار و هیئت کشتی را به نوح نشان داد جبرئیل (ع) بود و طول کشتی 900 ذراع و عرض آن 500 ذراع و بلندی و ارتفاع آن 80 ذراع بود ساخت آن 80 سال به طول انجامید و تعداد میخهایی که در کشتی به کار رفته 129 عدد بود این میخها را جبرئیل در صندوقی بنام تابوت برای نوح آورده بود . آنچه که گذشت گوشه ای از خصوصیات ظاهری کشتی نوح (ع) بود اما آیا می توان به همین مقدار بسنده کرد و به ارزش های باطنی آن که در تاریخ بشریت دارای نقشی سازنده و بزرگ بود چشم پوشی کرد ؟

((وصیت امام خمینی (قدس سره) به فرزندش حاج احمد))

((بجاست از پیشوای عارفان خمینی بزرگ پیرامون کشتی نوح و حقایق بلند معنوی که در آن وجود دارد با خبر شویم و از خلال وصیتهایی که آن روح بزرگ به فرزندش احمد آقا کرد تا به

عظمت و اهمیت این کشتی که دارای جایگاه تاریخی است پی ببریم)) (1)

این توصیه ها را امام خمینی هنگامی که می خواست کتاب آداب الصلوة را به فرزندش احمد آقا هدیه کند به او فرمود کتاب نامبرده از زیبا ترین کتابهای عرفانی است که امام رحمه الله علیه در سال 1364 ه آنرا تألیف کرده است تاریخ کتابت این پا ورقی در سال 1405 مصادف با 23 ربیع الاول مطابق با 18/12/1986 م می باشد

امام خمینی رحمة الله علیه فرزند خود را خطاب قرار داده و می فرماید: ((فرزندم همت کن تا بر نفس خود که با نظر الهی سرشته شده آگاهی یابی و آنرا از گرداب گمراهی و امواج غرور و خود پرستی رها سازی و بر کشتی نوح که همان ولایت الهی است سوار شوی کشتی که هرکه بر آن سوار شده نجات خواهد یافت و هرکس از آن سر پیچی کند هلاک خواهد شد .))

اینک توضیح مختصری در باره سخن امام خمینی رحمة الله علیه :

امام خمینی (ره) در این بیانات بر سه محور اساسی در اصلاح نفس تأکید می کند :

- باید آدمی نفس خود را پس از اینکه گم گشته و سرگردان است بیابد و بر حال آن اطلاع پیدا کند چرا که انسان اگر خداوند را فراموش کند خداوند نفس او را نیز به فراموشی خواهد کشاند . آیه حشر 19

بنابر این باید به فطرت الهی که سرشت آدمی با آن عجین شده است بازگشت آیه 30 روم

- رها یافتن نفس از خود پرستی : از آنجا که نفس سرگردان آدمی در گرداب وحشتناک و تاریک گمراهی به سر می برد و در میان امواج خطرناک شیطانی که ناشی از خود شیفتگی و خود پرستی است غوطه ور است و خود را بی نیاز و مستقل می پندارد نیازمند به یک وسیله نجات و رهایی است و اگر به حال خود رها شود به سرکشی و عصیان گری روی خواهد آورد . آیه 6-7 علق

- ضروری است آدمی برای رهایی از این امواج هولناک برکشتی نجات سوار گردد تا هم از آسیب ها و خطرات محفوظ بماند و هم از خشم پروردگار عالم در امان باشد ((آیه 43

هود

و چون اهل بیت (ع) مظهر رحمت بی منتهای الهی به شمار می آیند باید در کشتی نجات آنها فرود آمد تا به ساحل رستگاری رسید و ملکوت و باطن این کشتی نجات چیزی جز ولایت

و محبت و اطاعت از آن بزرگواران (ع) نیست . آیه 73 هود
در اینجا لازم است به طور مشروح به بررسی حدیث معروف به سفینه که در حق اهل بیت (ع)
وارد شده است پردازیم و با الهام گرفتن از قرآن و عترت پاک پیامبر و به میزان ارتباطی که
میان کشتی اهل بیت (ع) و کشتی نوح وجود دارد پی ببریم .

حدیث سفینه (کشتی)

احادیث متواتری از شیعه و سنی با عبارتهای مختلف در این زمینه نقل شده و ما در اینجا به
ذکر چند نمونه از آنها اکتفا می کنیم :

رافع از مولایش ابوذر چنین نقل می کند : ابوذر (ره) را دیدم که حلقه درب خانه کعبه را
گرفته بود و این سخنان را بر زبان جاری میکرد : هرکه مرا می شناسد که می شناسد من
جندب غفاری هستم و هرکه مرا نمی شناسد پس بشناسد من ابوذر غفاری هستم از پیامبر خدا
شنیدم که فرمود هرکس در مرحله اول با من به جنگ برخیزد و در مرحله دوم بعد از من با
اهل بیتم وارد جنگ شود خداوند او را در مرحله سوم با دجال محشور خواهد کرد . مثل اهل
بیتم در میان شما مانند مثل کشتی نوح است که هرکه بر آن سوار گردد نجات خواهد یافت
و هرکه از آن سرپیچی کند غرق خواهد شد .

در حدیث دیگر آمده است : همانا مثل اهل بیت من در میان شما مانند مثل کشتی نوح است هر
که بر آن کشتی وارد شود نجات یافته و هرکه از آن تخلف ورزد غرق خواهد شد .

و در حدیث دیگری آن حضرت می فرماید : به راستی که مثل اهل بیت من در میان امت مانند
کشتی ایست که در تاریکی دریاجریان دارد هرکه بر آن سوار شود نجات می یابد و هرکه
بر آن پشت کند غرق خواهد شد

آگاه باشید آیا من پیام را رساندم ؟ آگاه باشید آیا من پیام را رساندم ؟ آگاه باشید آیا من پیام را
رساندم ؟ .

آن حضرت این عبارت را سه بار تکرار فرمود .

و هم چنین فرمود مثل اهل بیت من در میان این امت مانند مثل کشتی نوح است که هرکه

برآن سوار شود نجات می یابد هرکه آنرا ترک کند هلاک خواهد شد . در حدیث دیگر امیرالمؤمنین علی (ع) به نقل از پیامبر خدا می فرماید : اهل بیت من کشتی هستند که هرکه برآن سوار شود نجات می یابد و هرکه از آن تخلف ورزد سقوط خواهد کرد پس نجات یافته در بهشت و سقوط کننده در دوزخ خواهد بود .

شایسته ذکر است که پیامبر خدا در حدیث دیگری حقیقت غرق شدن و هلاکت و سقوط راتبین می فرماید : مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است هرکه از آن سر پیچی ورزد در آتش افکنده خواهد شد با مطالعه این احادیث و تفکر در آنها به اهمیت این کشتی نجات بخش و ضرورت سوارشدن درآن پی می بریم و به این حقیقت نیز دست می یابیم که راه سومی وجود ندارد یا باید در کشتی نجات قرار گرفت و به آن متعهد و پای بند بود و خود را از امواج متلاطم رهایی داد و یا با سر پیچی کردن به این کشتی در گرداب ظلمت ها و تاریکی ها غوطه ور شده ((سوار شدن بر کشتی اهل بیت به چه معناست ؟))

علی بن موسی الرضا به نقل از پدرانش و آنها به نقل از پیامبر خدا در پاسخ به این پرسش چنین فرمودند : هرکه دوست دارد بر کشتی نجات سوار شود و به رشته محکم الهی چنگ زند و به ریسمان مستحکم پروردگار در آویزد پس باید به جانشینم علی (ع) که پس از من خواهد آمد دوستی ورزد و با دشمنش دشمنی کند و به فرزندانش که هدایت گران امتند اقتدا کند به راستی که آنان پس از من جانشینان و خلفا و حجت های خداوند بر خلق و رهبران امت هستند و همانانند که پروا پیشگان را به سوی بهشت راهبری خواهند کرد حزب آنها حزب من است و حزب من حزب خداوند عز و جل است و طرفداران حزب دشمنان اهل بیتم از حزب شیطان هستند . بنابر این مهرورزی و پیروی بی چون و چرا از علی (ع) و اولاد پاکش و هم چنین دشمنی ورزیدن نسبت به دشمنان آنها به معنی سوار شدن در این کشتی نجات است و جایز نیست که انسان در هیچ مسئله ای از این بزرگواران پیشی بگیرد و یا از آنها عقب بیفتد در رعای روزهای ماه شعبان نیز چنین آمده است : ((خداوند بر محمد و خاندانش درود بفرست همانا نند که کشتی جاری خداوند در امواج درهم فرورفته دریا هستند کشتی که هرکه بر آن سوار شود امان خواهد یافت و هرکه آن را ترک کند هلاک خواهد شد . پیشی گیرنده بر آن خاندان از مسیر حق خارج شده است و عقب افتاده نیز نابود است کسی که ملازم و همراه

آنان است به آنان خواهد پیوست .

برخی از علمای اهل سنت چنین گفته اند : دنیا با همه کفر و گمراهی و بدعت و هوای نفسانی آن به دریای تاریکی تشبیه شده است که امواج آن روی هم انباشته شده است و بر بالای آنها ابرهایی قرار دارند که آن را می پوشانند در این دریا تاریکیها بر روی همدیگر مترکم شده اند . و هیچ کس در هیچ جای زمین از آنها در امان نیست و تنها راه نجات و رهایی از مهلکه ها و سیاهی ها سوار شدن به کشتی نجات اهل بیت (ع) است مقصود از سوار شدن به آن کشتی جز مهرورزی به این خاندان نیست مناوی که یکی از دانشمندان بزرگ اهل سنت است این حدیث را نقل می کند : ((مثل اهل بیت من (فاطمه و علی و دو پسرانش) و کسانی که در میان آنها به عدالت و دیانت معروفند در میان شما مانند کشتی نوح اند هر که بر این کشتی سوار شود نجات خواهد یافت و هر که از آن تخلف ورزد هلاک خواهد شد .))

به راستی چه شباهتی میان کشتی اهل بیت (ع) و کشتی نوح وجود دارد ؟ در میان این دو کشتی شباهتهایی وجود دارد از جمله اینکه هم چنان که نجات و رهایی نصیب کشتی نوح گردید همان نجات و رهایی شامل کسانی می شود که سوار بر کشتی اهل بیت (ع) می شوند و به فرمان های آنها گردن می نهند و نتیجه این تشبیه دعوت و فراخوانی مردم به محبت ورزیدن نسبت به این خاندان است و پیام آن شکر گزاری نسبت به نعمت ولایتی است که پیامبر خدا واسطه ابلاغ آن بوده است و بر امت است که این نعمت بی نظیر خداوند را سپاس گفته و به رهنمود ها و سخنان علما و بزرگان دین گوش فرا دهند . طبیعی است هر که در این کشتی در آید و مسیر حق را برگزیند از تاریکی ها و گمراهی ها نجات خواهد یافت و از شکر گزاران نعمتهای پی در پی الهی خواهد بود و هر کس به این کشتی نجات پشت کند در دریا های کفر و ناسپاسی و گردابهای گمراهی و سرکشی گرفتار خواهد شد و در قیامت دچار آتش دوزخ خواهد گردید . دشمنی ورزیدن با علما و دانشمندان این خاندان مطابق برخی از اخبار و روایات آدمی را دچار آتش دوزخ خواهد کرد به حق هم همین است چرا که در حقیقت اینان چراغهای روشن خداوند در فراراه بشریت هستند .

و خداوند به وسیله آنان حجت را بر خلقش تمام خواهد کرد به تعبیری دیگر دانشمندان این خاندان در حقیقت شاخ و برگ همان شجره طیبه نبوت هستند که خداوند هرگونه پلیدی و

ناپاکی را از آنها دور ساخته است و مودت ورزیدن به آنها را برما واجب کرده است روشن است که مقصود ما از اهل بیت (ع) علما و دانشمندان این خاندان می باشند . چرا که دیگر افرادی که از این موهبت الهی برخوردار نیستند مستحق چنین مقامی نیستند و تنها دانشمندان اهل بیت (ع) که همان امامان معصوم (ع) هستند واجد چنین شرایطی هستند و همواره با کتاب و سنت تا هنگامی که بر حوض کوثر وارد شوند قرین خواهند بود .

((کشتی نجات))

شکی نیست که پیامبر خدا هیچ سخن یا رفتاری از او سر نمی زند مگر اینکه از مبدأ حق الهام گرفته باشد ((آیه 3 تا 5 نجمه))

پس هرچه پیامبر زبان جاری می کند و از آرایه های ادبی از قبیل تشبیهات و مثالهایی که به کار می برد همگی سر چشمه گرفته از وحی الهی است هنگامی که پیامبر خود را شبیه به موسی و علی (ع) را شبیه هارون می داند (تو در نزد من مانند هارون در نزد موسی هستی) در حقیقت می خواهد به حقایق عینی که در قرآن کریم و احادیث نسبت به رابطه ای که در میان هارون و موسی بوده اشاره کند . پس به جاست نخست در آیات قرآن که در این زمینه آمده تأمل کنیم تا به مفهوم واقعی سخن پیامبر پی ببریم . در حدیثی از پیامبر خدا نقل شده است که فرمودند : حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است . در این حدیث شریف امام حسین (ع) به طور ویژه با این ویژگی ((سفینه بودن)) از او یاد شده است .

البته ناگفته نماند که اهل بیت (ع) همگی کشتی های نجات هستند و در زیارت آن بزرگواران آمده است ((درود بر شما ای کشتی های نجات)) و هم چنین در احادیثی که مربوط به سفینه گذشت چنین آمده بود :

((هرکس دوست دارد بر کشتی نجات سوار شود)) این جمله مطلق است و فاعل همه ی امامان شیعه (ع) می گردد . حقیقت این است که آن بزرگواران همگی حقیقت واحد و نور واحدی هستند و همه آنها از نقطه نظر نورانیت و پرتو افشانی بر خلائق یکسان و یگانه اند اما زوایای نور افشانی آنها مختلف است به همین سبب هر یک از آن بزرگواران با خصوصیت و ویژگی خاصی اختصاص یافته است مثلاً یکی از آنها صادق و دیگری جواد و دیگری رضا و دیگری کاظم و هادی و نام گرفته است .

امام زمان (عج) نیز چون مسئولیت قیام در دوران ظهور به عهده او واگذار شده است به عنوان قائم شناخته می شود . پس می توان گفت همگی آنها صادقند و اهل جود و رضایت‌مندی و قائم به حق به شمار می آیند اما هریک از این نورهای پاک دارای یک خصوصیت متمایز نسبت به بقیه می باشد بنابر این هر امامی به مانند ستاره ای است که در جایگاه ویژه ای از آسمان ولایت قرار دارد و در حال درخشش است .

((خصوصیات و ماهیت این دو کشتی))

در قرآن کریم و احادیث اهل بیت (ع) اوصاف و ویژگیهایی برای کشتی نوح ذکر شده که جای تأمل است با مطالعه این اوصاف و ویژگیها می توان به کشتی حقیقی که کشتی نجات اهل بیت (ع) است بیشتر پی ببریم

• نظارت الهی : بدیهی است خداوند نظارت غیبی و اشراف معنوی خود را نسبت به کشتی نوح در دو زمینه اعمال فرمود :

• در ساختن کشتی : خداوند در قرآن می فرماید : آیه 37 هود آیه 37 مومن

• در حرکت کشتی : در همین زمینه خداوند می فرماید : آیه 14 قمر

بدون شک اگر نظارت مستمر و پیگیر خداوند نمی بود کشتی نوح قادر نبود که در دل آن طوفانها به آرامی حرکت کند (آیه 42 هود)

در قرآن به آیه ای برمی خوریم که همان تعبیری که در مورد کشتی نوح آمده در مورد پیامبر خاتم نیز وارد شده است . خداوند پیامبر خاتم را مخاطب قرار داده و می فرماید : آیه 48 طور با مطالعه زندگی پیامبر خاتم (ص) از روز تولد تا لحظه ارتحال آن بزرگوار در می یابیم که همواره مورد عنایت و نگرهبانی خاص الهی بوده و چرا چنین نباشد که او نخستین آفریده الهی به شمار می آید . و این آیه قرآن بر همین حقیقت اشاره دارد . آیه 48 طور

مرحوم طبرسی در مجمع البیان چنین می گوید :

گفته شده که مقصود از بقیه ((و تقلبک فی الساجدین)) مبین این حقیقت است که خداوند پیامبر را از صلبی به صلب دیگر منتقل کرد و در دوران خاتم او را به پیامبری برگزید و ابن عباس در روایتی عطا و اکرمه به نقل از امام باقر و امام صادق (ع) چنین نقل می کند : پیامبر خدا در صلب پیامبر پیشین قرار داشت و پیامبران یکی پس از دیگری آمدند تا اینکه خداوند او را از صلب

پدرش و نه از راه ازدواج معمولی خارج ساخت البته این مسئله اختصاص به پیامبر خاتم به تنهایی ندارد بلکه شامل همه امامان معصوم (ع) نیز می شود در زیارت ائمه بقیع (ع) چنین می خوانیم : ((شما مردم را به دین حق فرا خواندید اما پاسخی نشنیدید و آنها را فرمان دادید اما اطاعت نشدید و من گواهی می دهم که شما ستون های دین و پایه های مستحکم زمین به شمار می روید و پیوسته در نظارت و رعایت الهی به سر می برید و شما را خداوند از صلبهای پاک جدا گردانید و به رحمهای پاکیزه منتقل ساخت . ناپاکیهای دوران جاهلیت شما را آلوده نساخت و فتنه های هواهای نفسانی در شما مؤثر نگشت و شما پاک بودید و محل رویش شما نیز پاک و پاکیزه بوده بنابراین این معصومین (ع) نیز از صلبی پاک به رحمی پاک و از نسلی پاک به نسلی پاک منتقل شده اند . که ما انسانها با اندیشه های ناقص توان درک آن را نداریم . در زیارت وارث در توضیح تعبیدی (شمارا جدا ساخت) که در زیارت ائمه بقیع آمده بود چنین می خوانیم : ((گواهی می دهم که تو نوری بودی در صلبهای ارزشمند و رحمهای پاک)) بنابراین آیه قرآن این نورهای پاک از آغاز در زیر پرتو هدایت و نظارت الهی می زیستند . (73 انبیاء)

هم چنین در زیارت صدیقه طاهره (س) آمده است : ای بانویی که پیش از آنکه آفریده شوی امتحان شده ای ، نتیجه اینکه حضرت صدیقه کبری پیش از آنکه از عالم ملکوت اعلی و بلکه عالم جبروت منتقل به عالم ناسوت شود تحت نظر و عنایت الهی بوده است .

((گرفتار شدن به آتش دوزخ))

خداوند در این آیه شریفه از کشتی نوح و هم چنین از غرق شدن افراد ناسپاس و معصیت پیشه سخن به میان می آورد . نوح 25

مقصود آیه این است که قوم نوح به دلیل معصیت ها و گناهای که مرتکب شدند در دریا غرق شدند و به طور مستقیم وارد آتش گردیدند

علامه طباطبائی با توجه به حرف ((فا)) که در ((فادخلوا)) آمده است چنین استدلال می کند که مراد از آتش در این آیه آتش بزرخ است چون در روایات نیز وارد شده است که قبر شخصی که از دنیا می رود باغی از باغهای بهشت و یا گودالی از گودالهای آتش است .

صاحب کتاب المیزان می فرماید : به جهت معصیت ها و گناهای که مرتکب شدند در طوفان دریا

غرق شدند و خداوند آنها را در آتش داخل ساخت و مبتلا به عذابی دردناک شدند و نکته لطیفی که در آیه وجود دارد این است که میان غرق شدن در آب و داخل شدن در آتش پیوند ایجاد شده است و به همین ترتیب کشتی نجات ائمه (ع) نیز مایه رهایی امت از گناهان است ((هرکه بر آن سوار گردد نجات خواهد یافت و هرکه از آن سرپیچی کند در آتش افکنده خواهد شد پس رهایی از تاریکیهای دنیا و امواج متلاطم آن جز با سوار شدن بر این کشتی امکان پذیر نیست و هرکه از این کشتی دوری گزیند در واقع خود را گرفتار آتش کرده است .

پس کسی که از محبت آن بزرگواران در این دنیا بویی نبرده است در حال سوختن در آتش خشم الهی است اگر چه در میان ما زیست می کند و مانند ما زندگی می کند . گواه بر این حقیقت حدیثی است که از امام موسی کاظم (ع) وارد شده است : امام به یکی از اصحاب خود که صقّان جمّال نام داشت و شترانش را به هارون رشید کرایه داده بود چنین فرمود : ((ای صقّان همه کارهایی که از تو صادر شده خوب و زیبا بوده است مگر یک کار که شایسته نبوده است از تو سر بزند صقّان عرض کرد جانم به فدایت چه کار نا شایستی از من سر زده است ؟ امام کاظم (ع) فرمودند : ((کرایه دادن شترانت به هارون الرشید ، صقّان می گوید : عرض کردم به خدا سوگند من شترانم را برای عیاشی و خوش گذرانی و شکار و سر گرمی کرایه ندادم بلکه آنها را برای طی طریق به سوی مکه کرایه دادم و خود نیز سر پرستی آنها را بر عهده نگرفته ام بلکه غلامانم را به سوی آنها گسیل داشته ام آن حضرت فرمود : ((ای صقّان آیا آنها کرایه ات را به تو بر نمی گردانند عرض کردم فدایت شوم بلی چنین است آن حضرت فرمود آیا دوست نداری که آنان که شترانت را به آنها کرایه داده ای سالم به وطن خود بازگردند و کرایه تو را بپردازند ، عرض کردم آری فرمود: پس بدان هرکه دوستدار بقاء و زندگی آنان است پس از آنان است و هرکه از آنان است وارد دوزخ خواهد شد نکته دیگر اینکه عواقب و پیامدهای شوم سوار نشدن بر این کشتی نجات در هنگام مرگ آشکار خواهد شد ((آیه 22 ق))

کسی که از آن بزرگواران پیروی کند در بهشت فردوس الهی آرام خواهد گرفت و از جامی خواهد نوشید که طعم آن از کافور است و برآستی آیا بهشتی جزارتباط با آن بزرگواران وفانی شدن در محبت آنها وجود دارد هرگز؟

پس آنان که در یاد آنها به سر می برند و بر آنها درود میفرستند و در شادی آنها شاد و در غم آنها

غمگین می گردند . با اینکه در این دنیا زیست می کنند اما روح آنها در بهشت به سر می برد و از آسایش معنوی برخوردار می گردند که کسی جز آنکه از این لذت بهره مند است توان درک آن را ندارد . محب واقعی اهل بیت کسی است که به هنگام یاد آوری رنجها ، دردها و مصیبت‌های آن بزرگواران تمامی غمها و غصه های خود را فراموش می کند و نا خداگاه همه مشکلات و مصیبت‌های دنیا بر او آسان می گردد و پاداش او در آخرت نیز چنان سنگین است که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست .

در زیارت جامعه کبیره چنین می خوانیم : کسی که از شما پیروی می کند بهشت جایگاه اوست و هرکس با شما مخالفت کند آتش پناهگاه اوست .

بنا بر این همانگونه که قوم نوح به دلیل این که بر کشتی نجات اوسوار نشده اند گرفتار طوفان شده اند و در آتش افکنده شده اند به همین ترتیب کسانی که از اهل بیت پیروی نمی کنند و محبت آنان را به دل ندارند و به سرنوشتی چون آتش جهنم دچار خواهند شد و چه بد جایگاهی است . (آیه 42 هود)

شایسته ذکر است که تعبیری که در آیه آمده ((ولا تکن مع الکافرین)) همان تعبیری است که در آیه مربوط به غدیر خم آمده است : ((آیه 67 مائده))

لذا هر که به آنچه که پیامبر خدا در آنروز نازل فرمود ایمان نیاورد محکوم به کفر است و سرنوشت کافران نیز در این آیه کریمه به خوبی بیان شده است (آیه 64 احزاب) در آیه دیگر به صراحت بر کسانی که کشتی نوح را ترک کردند لعن و نفرین شده است . آیه 44 هود و تعبیر ((یعود للظالمین)) همان معنای لغت و نفرین است .

هم چنانکه خداوند بر ظالمان و ستمگران و نفرین روا داشته (آیه 18 هود) راغب اصفهانی می گوید : ((لعنت فرستادن یعنی طرد کردن و دور ساختن شخصی از روی خشم و چنین چیزی از سوی خداوند در آخرت کنیز و در دنیا بریدگی از رحمت و توفیق الهی است . و مطابق آیه قرآن برخی از انسانها نیز برخی دیگر را لعن و نفرین می کنند (آیه 18 هود)

هم چنین در بسیاری از دعاها و زیارت ها و به ویژه زیارت عاشورا بر این مسئله لعن بر دشمنان اهل بیت (ع) تأکید شده است هم چنین در زیارت عاشورا می خوانیم ((خداوندا تمامی خاندان بنی

امیه را از رحمت خود دور کن)) و در جای دیگر از همین زیارت آمده است ((خداوندا بر نخستین کسی که در حق پیامبر و خاندان او و آخرین کسی که در این ستمها از آنها پیروی کردند لعنت فرست))

در دو حدیث زیر نکته بسیار عجیب و عبرت انگیزی وجود دارد که جای تأمل است : در کتاب خصال در جواب پرسش هایی که برخی از یهودیان از علی (ع) پرسیدند چنین آورده است : عدد نود اشاره به چه چیزی دارد آن حضرت پاسخ داد کشتی نوح (ع) که لبریز از جمعیت بود و نوح (ع) نود آشیانه را برای چهارپایان نیز در آن ساخته بود .

• امام صادق (ع) در همین زمینه فرموده است : نوح (ع) سگ را نیز در کشتی جای داد اما به فرزندی که از زنا متولد شده اند اجازه ورود به کشتی را نداد .

احادیث فراوان دیگری نیز وجود دارد که دشمن اهل بیت (ع) از سگ نجس تر است . در این جا یکی از این احادیث را نقل می کنیم امام صادق (ع) می فرماید : ((خداوند متعال مخلوقی نجس تر از سگ نیافریده است و کسی که با اهل بیت (ع) دشمنی کند از سگ نجس تر است)) . حمزه بن عبدالله از هاشم ابو سعید انصاری و او از ابو سعید و او نیز از امام صادق (ع) چنین نقل می کند که آن حضرت فرمودند : ((نوح (ع) در کشتی خرو سگ و خوک را نیز سوار کرد اما به زنا زاده اجازه ورود به این کشتی را نداد و دشمن اهل بیت (ع) از سگ و زنا زاده نیز پست تر است . احادیث دیگری نیز دوستی اهل بیت را نشانه ای از پاکی ولادت شخص و دشمنی با آنها را حاکی از اشکالی در چگونگی ولادت آنها می داند و این نکته بسیار جای تأمل است .

2- عمل ناشایست :

آنگاه که طوفان آغاز شد و قوم نوح یکی پس از دیگری غرق می شدند نوح پسرش را که در حال غرق شدن بود مورد خطاب قرار داد و از او خواست که در کشتی درآید اما او نپذیرفت (آیه 46 هود)

پس هرکه از ورود به کشتی نوح امتناع ورزید از خاندان نوح به شمار نمی آید حتی اگر پسر او باشد و هرکه به کشتی نوح درآید اگرچه از بستگان او نباشد از خاندان و اهل بیت او بشمار می آید چون معیار ارزش گذاری در اینجا تنها و تنها ایمان و عمل صالح است . در حدیثی امام رضا (ع) به نقل از پدراش چنین می فرماید: خداوند به نوح (ع) فرمود (او ، فرزندان) از اهل بیت تو

نیست چرا که پسر نوح با آئین نوح مخالف بود اما کسانی که پیرو و تابع آن حضرت بودند را اهل او به شمار آورد .

هم چنین در ارتباط با ائمه (ع) هرکس از آنها پیروی کند ، از اهل و خاندان آنها محسوب می شود و هرکس به آنها پشت کند از آن خاندان بیگانه است بنابر این معیار قرابت و خویشاوندی در درگاه الهی با آنچه که در ذهنیت ما وجود دارد متفاوت است .

در توضیحی که امام زمان (عج) با دست خط خود برای اسحاق بن یعقوب نوشته بود چنین آمده است : ((اما تو که خداوند هدایتت گرداند و تورا در برابر برخی از اهل بیت ما و پسر عموهای ما که فکر امر ولایت من هستند ثابت قدم بدارد پرسشی مطرح کردی پس بدان که میان خدا و هیچ بنده ای از بندگانش خویشاوندی وجود ندارد و هرکه منکر ولایت من گردد پس از من نیت و سرنوشتش سرنوشت پسر نوح (ع) است در همین زمینه خداوند متعال می فرماید : (آیه 68 آل عمران)

در تفسیر مجمع البیان روایتی به نقل از امیرالمؤمنین علی (ع) چنین آمده است : (نزدیکترین مردم به پیامبران کسانی هستند که به آموزه ها و رهنمودهای بیشتر عمل کنند) پس آن حضرت آیه بالا را تلاوت کرد ، آنگاه فرمود : ((دوستدار محمد (ص) کسی است که از او پیروی کند اگر چه وابستگی خویشاوندی با آن حضرت نداشته باشد و دشمن او کسی است که معصیت خدا می کند اگر چه از خویشاوندان او باشد . در همین ارتباط احادیث فراوانی از ائمه (ع) نقل شده است از جمله آنها حدیثی است که امام صادق (ع) نقل شده و فرموده اند : ((هر یک از شما مردم تقوای الهی را پیشه کند و به اصلاح امر خود بپردازد پس از ما خاندان اهل بیت است راوی می پرسد واقعاً از شما خاندان محسوب می شود آن حضرت فرمودند : بلی از خاندان ما محسوب می شود . پس آن حضرت سخن ابراهیم (ع) را در قرآن نقل می کند که فرمودند : (هرکه از من پیروی کند پس از خاندان من به شمار می آید) . عمر بن یزید می گوید : ((براستی کسی که از شما پیروی کند از آل محمد (ص) محسوب می شود . آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید (آیه 68 آل عمران)

در جای دیگر خداوند در باره قوم یهود و نصاری و کسانی که از آنها پیروی می کنند چنین می فرماید : (آیه 51 مائده) در مورد سلمان فارسی نیز پیامبر خدا فرموده اند : ((سلمان از خاندان ما اهل بیت است)) . کسی که محبت این خاندان را در دل دارد در حقیقت کالای گران قیمتی را

خریداری کرده است که در روز قیامت آنرا مطالبه خواهد کرد و از برکات آن بهره مند خواهد شد . اما کسانی که از این سرمایه بی بهره اند در روز واپسین در نزد آن بزرگواران نصیب و بهره نخواهد داشت . (یوسف 79)

امام صادق (ع) می فرماید : ((ما برخی از شیعیان خالص خود را به سوی دیگر دوستانمان گسیل می دهیم و آنها چون کبوتری که دانه ها را از روی زمین می چینند دوستان ما را جدا کرده و آنها را به سوی بهشت در کنار ما منتقل می سازند)) .

شیعه واقعی کیست؟

بدیهی است که هرکس که ادعای شیعه بودن کند را نمی توان شیعه و دوستدار اهل بیت نامید معیارها و ضوابط فروان فردی و اجتماعی وجود دارد که هر که آنها را دارا شود می توان او را از شیعیان واقعی و از اهل کشتی نجات نامید و ما در این جا روایتی را از کتب اربعه در همین زمینه نقل می کنیم : ابو ربیع شامی می گوید ما در نزد امام صادق (ع) بودیم و خانه او لبریز از جمعیت بود آن حضرت سخن زیر را فرمودند : (از ما نیست کسی که با همراه خود به نیکی همراهی نکند و با رفیق خود به درستی رفاقت نرزد و با کسی که با او خوش و بش می کند گرم نگیرد و کسی که با او می جوشد نجوشد)

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید : از ما نیست هرکه در هر روز به محاسبه نفس خویش نپردازد و هرگاه عمل شایسته ای انجام داد زیاده آن را از خداتقاضا کند و هرگاه عمل ناشایستی از او سر زد از درگاه الهی پوزش خواسته و از آن گناه توبه کند .

امام صادق (ع) می فرماید : هرکه بزرگ ما را محترم نشمارد و با کوچک ما مهربانی نکند از ما نیست .

امام صادق (ع) به نقل از پیامبر خدا می فرماید : کسی که برادر مسلمانش را فریب دهد از ما نیست و در حدیثی دیگر به نقل از آن حضرت می فرماید : ((از ما نیست هرکه در امانت خیانت کند و هم چنین از آن حضرت نقل شده که فرمودند : از ما نیست هر که با ما از فریب کاری وارد شود و هم چنین فرمودند : هرکه دنیایش را به خاطر آخرتش و آخرتش را بخاطر دنیایش رها کند .

4- چنگ زدن به کشتی نوح :

راغب اصفهانی در کتاب مفردات چنین گفته است : ((عصمت پیامبران به این معناست که خداوند نخست فطرت ناب خدادای آنها را حفظ کند و در مرحله بعد آنها را از جهت فضائل و برتری های جسمی و روانی امتیاز بخشد و نصرت و یاری خود را برای آنها مهیا ساخته و گام های آنها را استوار ساخته و آرامش و سکینه خود را بر قلب آنها نازل کند و دلهای آنها را در مسیر دین ثابت گردانیده و توفیق را رفیق راهشان سازد .

در کتاب قاموس المحيط نیز چنین آمده است : عصم : یعنی کسب کرد و جلوگیری کرد و نگه داشت . پسر نوح خواست برای رهایی از امواج خروشنده دریا به کوه پناهنده شود . اما نوح در پاسخ گفت : ((امروز کسی از عذاب خداوند در امان نیست کوه و یا هر چیز دیگری قادر نیست تو را از هلاکت و نابودی رهایی بخشد)) (آیه 43 هود)

بنابر این تنها راه نجات ، داخل شدن در کشتی رهایی بخش نوح (ع) بود به همین ترتیب شیعیان و دوستداران اهل بیت (ع) باید بدانند که تنها نجات آنها از گرداب مشکلات و بدبختی ها پناه بردن به درگاه این بزرگواران است . در زیارت جامعه کبیره چنین می خوانیم : ((کسی که به تو پناه آورد امان یافته است و آنکه تو را تصدیق کرد سالم مانده و آنکه به ریسمان شما چنگ زد به مسیر حق رهنمون گشت)) و ((کسی که به ریسمان شما چنگ بزند در حقیقت به ریسمان خداوند چنگ زده است)) . (آل عمران) 101

از آنجا که ائمه معصومین (ع) جلوه های مشیّت الهی به شمار می آیند چنگ زدن به ریسمان محبت آنها چنگ زدن به ریسمان الهی است (آل عمران آیه 103)

در احادیث فراوانی به این نکته تأکید شده که مراد از (حبل) در آیه (امیر المؤمنین) علی (ع) و فرزندان معصوم او می باشد . امام باقر (ع) فرمودند : مقصود از حبل در آیه ((علی ابن ابیطالب)) است و در حدیث دیگری می خوانیم که یک اعرابی از پیامبر اکرم در باره معنای آیه ((واعتصموا به حبل الله)) سوال کرد آن حضرت در پاسخ دست خود را بر شانه علی (ع) قرار داد و فرمود : ای اعرابی این مرد همان ریسمان الهی است به او چنگ بزن آنگاه اعرابی بر گرد علی (ع) چرخید و او را در آغوش گرفت و چنین گفت :

خداوندا تو را گواه می گیرم که من به ریسمان تو چنگ زدم پس پیامبر خدا فرمود : هرکس می خواهد از دیدن یکی از افراد اهل بهشت خشنود گردد پس به این اعرابی بنگرد .

((دو بعد مهم ریسمان الهی))

ریسمان الهی که مومنان باید به آن چنگ بزنند دارای دو بعد مهم است

- بعد الهی که همان قرآن کریم است آیه 174-175 نساء
 - بعد مردمی که در رتبه ی اول پیامبر خدا و در مرحله بعد ائمه معصومین (ع) قرار دارند این بزرگواران مانند قرآن کریم از نورانیت و عصمت خداوندی برخوردار می باشند .
- ثعلبی با سند های مختلف در باره آیه ((واعتصموا به حبل الله جميعاً)) از پیامبر خدا نقل می کند که فرمودند : ای مردم من در میان شما دو چیز سنگین را به عنوان جانشین به جا گذاشتم اگر از این دو پیروی کنید هرگز پس از من گمراه نمی شوید یکی از آن دو که بزرگ تر از دیگری است قرآن کریم است که ریسمان کشیده شده خداوند میان آسمان و زمین است و دیگری اهل بیت من ، آگاه باشید که این دو تا هنگامی که بر حوض وارد نگشته اند از هم جدا نخواهند شد

-5

خداوند متعال از زبان نوح چنین می فرماید : نوح 28

به راستی مقصود از بیت ((خانه)) در این آیه کریمه چیست آیا همان خانه کوچکی که ابراهیم در آن زندگی می کرد مراد است . مگر آن خانه کوچک چه تعداد از مردم را می توانست در خود جای دهد ؟ تکلیف دیگر مؤمنان یا موحّدانی که در زمان او و یا در زمان های بعد می زیسته اند چه می شود آیا دعای حضرت نوح (ع) و آمرزش خواهی او از خداوند شامل حال همه آنها نمی گردد ؟

حدیثی که هم اکنون آن را نقل می کنیم به این پرسش ها به خوبی پاسخ می دهد در اصول کافی امام صادق (ع) در تفسیر این آیه کریمه (اغفرلی و.....) چنین می فرماید : مقصود از بیت در این آیه همان ولایت است یعنی هرکه ولایت او را بپذیرد گویا وارد خانه پیامبران شده است .

واژه اهل بیت که در این آیه کریمه ((احزاب 33)) آمده گواه بر این حقیقت است که خانه ظاهری آن بزرگواران مورد نظر نیست بلکه جایگاه معنوی آنها که مرکز نبوت و رسالت و وحی و رحمت و کرامت و عصمت می باشد منظور نظر است در برابر این واژه در قرآن واژه ((بیوتکن)) قرار دارد که مربوط به زنان پیامبر است و به همان خانه ظاهری با مشخصات مادی آن

اشاره دارد .

بنابراین معنای بیت در مورد حضرت نوح (ع) نیز همان مقام نبوت و رسالت و عصمت اوست خداوند متعال در تبیین جایگاه این بیت فرموده است ((نور 36)) در این آیه واژه بیوت به صورت نکره بکار رفته و حد کمی از عظمت و رفعت و قداست این خانه ها می باشد در حدیثی پیامبر خدا می فرماید : فاطمه ، علی ، حسن ، حسین علیهم السلام در محضر قدس الهی در زیر گنبد سپید رنگی هستند که سقف آن عرش پروردگار رحمان است به همین سبب از این وجود های پاک در زیارت وارث (ع) به عنوان وارثان نوح و ابراهیم و دیگر پیامبران نامبرده شده است .

حضرت نوح در موارد متعددی بویژه هنگام پدید آمدن طوفان به خاندان عصمت و طهارت متوسل شد مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه کریمه ((قمر 13)) می فرماید: ((مقصود از ((ذات الواح و الدسر)) همان کشتی نوح است ، الواح جمع لوح و به معنی پاره تخته هایی است که روی هم قرار می گیرند و کشتی را می سازند و دسر جمع دسار به معنی میخ هایی است که تخته های کشتی را به هم پیوند می زنند.)) در یک حدیث طولانی که درباره میخ های این کشتی وارد شده چنین آمده است : ((پس نوح دستش را به میخ پنجم زد و آن میخ درخشید و روشنایی پدید آورد و آثاری از رطوبت در او آشکار شد جبرئیل گفت : این میخ امام حسین (ع) است این میخ را در کنار میخ پدرش قرار بده نوح پرسید : ای جبرئیل رطوبت میخ از چیست جبرئیل گفت این رطوبت از خون امام حسین (ع) است و آنگاه جریان عاشورا و ستمکاری آن قوم نابخرد را برای نوح شرح داد و بر قاتل و بر کسی که بر آن حضرت جفا کرد و او را خوار شمرد لعنت فرستاد. بدیهی است اگر توسل به وجود پاک این بزرگواران نمی بود هرگز کشتی از جای خود حرکت نمی کرد و بر بلندای کوه جودی آرام نمی گرفت . امام باقر (ع) می فرماید : کشتی نوح در روز عاشورا بر کوه جودی قرار گرفت بنابر این امام حسین نیز در حکم کشتی نوح است و هرکه بر آن سوار شود نجات خواهد یافت و هرکه بر آن پشت کند هلاک خواهد شد اما کشتی نجات بخش امام حسین (ع) از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بود و دربردارنده دو ویژگی زیر است :

- مصباح الهدی ((چراغ هدایت)) امام حسین (ع) در دل طوفانها و امواج ظلمانی چون فانوس درخشانی است که ره گم کردگان سرگردان را راهنمایی می کند پس هرکه بخواد

راه نجات و رستگاری را طی کند باید نخست این فانوس روشنی بخش را ببیند . سپس اینکه به سوی آن به حرکت درآید کور دلانی که توان دیدن نور را ندارند چگونه می توانند خود را از ظلمت های دریا که بر روی هم انباشته شده اند رهایی بخشند و کسی که کشتی را نمی بیند چگونه میتواند بر آن سوار گردد بنابراین هم باید آن فانوس درخشان را مورد شناسایی قرار داد و هم باید برای رهایی از امواج خطرناک به سوی آن حرکت کرد و به آن پناه برد .

• سفینه النجاة ((کشتی نجات))

کشتی امام حسین (ع) با ویژگی نجات بخشی آن متمایز گشته است این کشتی اگر چه به ظاهر کوچک است اما در باطن و معنا بسیار بزرگ و با عظمت است و ویژه غرق شدگانی است که در گوشه کنار دریا در میان امواج رنجه و مشکلات دست و پا می زنند . کشتی امام حسین (ع) شبیه قایقهای تندرویی است که با هدف امداد رسانی به مصیبت زدگان و کسانی که خود و اموالشان در دریا درحال غرق شدن است در جریان است و با سرعت خود را به آنها می رساند و با هر مذهب و دین و آئینی که دارد آنها را از غرق شدن رهایی می بخشد و تا آنها را به ساحل امن و امان نرساند آرام نمی نشیند و چه بسا گمراهی که به اسلام و به مذهب حق اعتقادی ندارد اما برای یک بار در مجلسی که به نام و یاد سید الشهداء برگزار شد شرکت می کند و یا تصادفاً در آن مجلس راه پیدا می کند و ناخودآگاه از برکات و فیوضات بی منتهای آن بزرگواران برخوردار می شود و در این زمینه نمونه ها و شواهد عینی فراوانی وجود دارد که من در اینجا به ذکر یکی از آنها که برای اینجانب اتفاق افتاده بسنده می کنم . مدتی پیش به شهر ساحلی بوشهر سفر کردم بوشهر شهری است که در دوران استعمار توسط انگلستان تحت اشغال بود و مجاهدان و رزمندگان منطقه تنگستان به رهبری رئیس علی موفق شدند آنها را شکست خورده و مأیوس از آن سرزمین برانند در کنار این شهر قبرستانی وجود داشت و در میان این قبرها به قبری برخوردیم که مردم برای گرفتن حاجات خود به آن پناهنده می شدند پرسیدم صاحب این قبر کیست ؟ در پاسخ مردم گفتند صاحب این قبر یک کودک غیر ایرانی است که در این جا مرده و طبق مراسمی که داشتند جسم او را آتش زدند با تعجب متوجه شدند که سینه او بوسیله آتش نمی سوزد و ناچار شدند آنرا در این قبرستان دفن کنند پس از تحقیق و بررسی متوجه این جریان شدند که این بچه فرزند

خانواده ای است که در آن منطقه زندگی می کرده است خدمتکار این خانواده که هندی و شیعه مذهب بوده یک روز کودک این خانواده را به مجلس عزای امام حسین (ع) برده است و در آن مجلس کودک بدون اینکه از فلسفه عزاداری شیعیان اطلاعی داشته باشد به همراه دیگر عزاداران بر سینه خود میزده است بر همین اساس وقتی او را سوزاندند همان قسمت از بدن او که برای امام حسین (ع) عزاداری کرده بود سالم مانده و ناچار شدند آنرا دفن کنند .

ما بسیاری از مسیحیان و هندوها و دیگر غیر مسلمانان را می شناسیم که به عظمت داستان کربلا و فداکاری امام حسین پی برده اند و در روز عاشورا برای آن حضرت مراسم عزاداری برگزار می کنند و در نتیجه این کار به بسیاری از حوایج خود دست یافته اند و از برکات و خیرات اینگونه مجالس بهره مند شدند . کشتی نجات امام حسین (ع) غرق شدگان را به ساحل امن و امان می رساند و آنان را بر اساس فطرت پاکی که دارند به سوی توحید راهنمایی می کنند . اگر این اشخاص غیر مسلمان باشند با این بستر روحی که در آنها پدید آمده چه بسا به دین اسلام گردن نهاده و مذهب نجات بخش تشیع را که راه اهل بیت (ع) است برگزینند .

((برپا داشتن دیوار و شکافتن کشتی))

پیامبر خدا درباره امام حسن و امام حسین می فرماید : این دو بزرگوار هر دو امام هستند چه قیام کنندو چه بنشینند و بر اساس این گفته پیامبر امامان شیعه همگی درای حقیقت واحد و نور واحدی بودند و اگر عملکرد آنها در طول تاریخ مختلف است به جهت موقعیت ها و شرایط گوناگونی بوده که برای آنها پدید آمده است و هر امامی مطابق شرایط زمان خود موضع گیری کرده است به عنوان مثال امام حسن (ع) با معاویه از در صلح درآمد و همان کاری را کرد که خضر(ع) در به پاداشتن آن دیوار که در حال سقوط بود کرد . در قرآن کریم می خوانیم که در زیر آن دیوار گنجی پنهان شده بود که می بایست سالها در آنجا می ماند تا نصیب صاحب اصلی اش شود امام حسن (ع) نیز از رهگذر صلحش با معاویه توانست گنجی که همان میراث معنوی اهل بیت بود را حفظ کند .

آیه 104 کهف

قیام امام حسین و ریخته شدن خون او توسط دشمنانش را میتوان شبیه به سوراخ شدن کشتی توسط خضر (ع) دانست امام حسین این آسیب را به جان پذیرفت تا میراث گران سنگ که همان راه و

رسم خاندان عصمت و طهارت بود حفظ کندو آنرا از دستخوش تاخت و تاز ظالمان و ستمگران
مصون نگه دارد (71 کهف)

به راستی که شهادت آن بزرگوار شکافی عمیق و جبران ناپذیر بوجود آورد و آن حضرت خود را
فدای اسلام کرد و با این ایثار و گذشت موفق شد کشتی آسیب دیده اسلام را از گزند بیشتر در امان
نگه دارد و آنرا به دست نه تن از معصومینی که پس از او آمدند به سلامت بسپارد .
و خداوند آنرا کلمه ای ماندگار برای نسل پس از او قرار داد تا شاید مردم به سوی حق بازگردند

((کشته شدن غلام))

در قرآن می خوانیم که خضر وقتی با آن غلام برخورد کرد او را کشت و موسی از این کار
شگفت زده شد . (74 کهف)

کشته شدن فرزندان قاتلان امام حسین (ع) به دست امام زمان (عج) را میتوان شبیه کاری دانست
که خضر (ع) انجام داد و ((هروی)) می گوید : از امام رضا (ع) پرسیدم یابن رسول الله نظر تو
درباره این سخن امام صادق (ع) چیست که فرموده است هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند
فرزندان قاتلان امام حسین را خواهد کشت و آنها را به سزای اعمال پدرانشان خواهند رسانید امام
رضا (ع) فرمودند : (آن چنان است که می گویی) هروی می گوید پرسیدم مگر خداوند در قرآن
نمی فرماید ((ولا تذروارزة و زر اخی)) هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد. امام
رضا فرمودند خداوند در همه گفته هایش راستگوست حضرت قائم به این خاطر فرزندان قاتلان
امام حسین را به قتل می رساند که آنها از جنایتی که پدرانشان مرتکب شده بودند راضی بوده و به
آن جنایات و اعمال فجیع افتخار می کنند و هرکس از عمل قومی راضی باشد گویا آن عمل را
خود مرتکب شده است اگر کسی در شرق عالم کشته شود و فردی در غرب عالم از آن کار
راضی باشد با او در قتل آن شخص شریک است حضرت قائم (عج) این افراد را به جهت
رضایتشان از کار های پدرانشان به قتل می رساند امام زمان (عج) کسی است که به هنگام ظهور
به خون خواهی جد بزرگوارش امام حسین اقدام خواهد کرد و ریشه متجاوزان و ستمگران و
قدرتمندان را خواهد خشکانید و آثاری از ستم و ستمگری بر روی زمین به جای نخواهد گذاشت و
شجره خبیثه بنی امیه را تا قیامت نیست و نابود خواهد کرد علامه مجلسی تنها کسی است که در
میان علمای گذشته مبحثی را تحت عنوان اسباب تأخیر نزول عذاب بر قاتلان امام حسین (ع)

مطرح کرده است در این مبحث به علت کشته شدن فرزندان قاتلان امام حسین (ع) پرداخته ، در کتاب ((اشراقات حسینیة فی الثورة المهدویة)) به طور مشروح درباره این موضوع سخن گفتیم و فلسفه لعنت فرستادن به بنی امیه و نسل هایی که از این خاندان در تاریخ به وجود آمدند را تبیین کرده ایم . امام زمان (عج) با بهره مندی از علم غیب رفتارهایی شبیه به خضر (ع) خواهند داشت و به گونه ای در امور تصرف خواهد کرد که جز مومنان مخلص و حقیقی و کسانی که ظرفیت و توان درک این حقایق غیبی را دارند او را درک نخواهند کرد آن امام معصوم (ع) مانند داوود پیامبر و حضرت سلیمان با الهام گرفتن از عالم غیب به این گونه امور اقدام خواهد کرد از همین جا پی می بریم که چرا هنوز زمینه مناسبی برای ظهور آن حضرت فراهم نشده است و هنوز تعداد سرداران و پیروان ناب آن حضرت که به تمام معنا مطیع و فرمانبر او باشند و بر عملکرد آن حضرت خرده ای نگیرند کامل نشده است و بدون شک جان فشانی و فداکاری در رکاب آن حضرت مستلزم داشتن ظرفیت روحی و معنوی بالایی است در زیارت عاشورا چنین می خوانیم ((از خداوندی که جایگاه تو را گرامی داشته و مرا نیز به وسیله تو کرامت بخشیده می خواهم برای خون خواهی تو مرا با امامی که از جانب تو یاری می شود و از خاندان اهل بیت است برانگیزانیم)) . ((و از او می خواهم که در پیشگاه شما جایگاه شایسته ای را به من ارزانی دارد و خون خواهی در رکاب امام مهدی (عج) که امام آشکار و ناطق بر حق است را روزی من فرماید)) و در زیارت ناحیه مقدسه که منصوب به امام زمان (عج) است از زبان آن حضرت خطاب به جدش امام حسین (ع) چنین می خوانیم اگر روزگار مرا به تأخیر انداخته و مقدرات الهی مرا از یاری کردن به تو بازداشته و نتوانستم با کسی که با تو جنگیده بکنم و با کسی که با تو دشمنی ورزیده دشمنی ورزم پس چاره ای ندارم جز اینکه هر صبح و شام در سوگ شما ناله سردهم و به خاطر سوزناکی مصیبت تو وآه و افسوس بر دردها و ناملایماتی که تحمل کردی به جای اشک خون بگیرم تا مرگ را با سوز مصیبتهای تو و غصه هایی که از فراغ تو در دل دارم دریابم .

((سوگنامه امام حسین ()))

چگونه می شود که آن حضرت بر مصیبتهای جدش خون نگرید در حالی که هر صبح و شام صحنه های عاشورا را با چشم خود مشاهده می کند و می بیند که جدش را چگونه لشگریان کفر

از هر سو احاطه کرده اند و خون هایی که از او سرزمین کربلا را رنگین کرده است و صحنه هایی را مشاهده می کند که کوههای سربفلک کشیده تحمل مشاهده آن را ندارند به خصوص در آن لحظات آخر زندگی اش که دشمنان او را فرا گرفته بودند و بر پیشانی مبارکش سنگ دشمنی کوفتند و خون از آن پیشانی به آسمان پاشید در این هنگام آن حضرت جامه خود را بالا زد تا خون را از پیشانی پاک کند که ناگاه تیر تیزی که دارای سه پیکان بود بر قلبش فرو نشست و فریاد سرداد : ((بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله ...)) سپس خونها را در دوکف دستش ریخت و به سوی آسمان پرتاب کرد و این فریاد را سرداد : ((این مصیبت بر من آسان است چرا که در برابر چشمان خداوند روی می دهد و او نظاره گر است)) بار دیگر خونها را در دوکف دستش پر ساخت و سر و ریش مبارکش را با آن خضاب کرد و فرمود : ((اینگونه خداوند و جدم رسول خدا را ملاقات می کنم)) سر انجام که خونهای فراوانی از آن حضرت به زمین ریخت ضعف بر آن حضرت غلبه کرد و مانند ستاره ای که خاموش می گردد از روی اسب بر روی زمین افتاد ((ابن نسر)) به سوبیش آمده و در حالی که چشمانش از کینه لبریز بود با شمشیر بر سر آن حضرت کوفت سپس زرعه بر دوش راست آن حضرت ضربه ای وارد کرد و این نمیر به سوی گردن آن حضرت نیزه ای پرتاب کرد سنان گلوگاه آن حضرت را درید و سینه آن حضرت را مجروح ساخت و تیری به سوی او پرتاب کرد آن حضرت نقش بر زمین شد و آثار بی حالی در او پدیدار گشت . نگاهش را به سوی آسمان انداخته و با این کلمات با پروردگارش مناجات می کرد : ((خداوندا تو دارای جایگاه بلندی هستی و جبروت تو سترگ و کیفرت شدید و بی نیازی از خلق و برخورداری از عظمت و کبریایی هستی بر هرچه که خواهی قادر و رحمتت بر مومنان نزدیک است و وعده هایت صادق و فروریزنده نعمتها هستی بندگان را به امتحاناتی نیکو می آزمایی و به کسی که تو را فرا می خواند بسیار نزدیکی و بر آنچه که آفریده ای احاطه داری ، توبه کننده را پذیرا و بر هرکه اراده کنی توانا و به هرچه که مطلوبتوست خواهی رسید و بر شکر گذارنده شاکر و بر یاد کننده ذاکری و از روی نیاز تو را می خوانم و در نهایت فقر به تو مشتاق و به درگاه تو خوفناک ناله می کنم و چون درماندگان در پیشگاه تو می گریم و ناتوانی هستم که از تو مدد می جویم و بر تو که بر هر چیز کفایت می کنی توکل می کنم . خداوندا میان ما و قوم ما داوری کن همانا که این قوم ما را فریب داده اند و ما را خوار دانستند و در حق ما نیرنگ روا

داشته اند و ما را که از خاندان پیامبرت و فرزندان حبیب محمد (ص) که او را برای رسالت برگزیدی و بر وحی خود امین ساختی می باشیم به قتل رسانده اند و پس برای ما گشایش و راه برون رفت قرار ده ای مهربان ترین مهر بانان .

پروردگار من بر آنچه که بر من مقدر ساخته ای بردبارم ، معبودی جز تو نیست ای فریاد رس فریاد خواهان جز تو پروردگاری ندارم و معبودی جز تو وجود ندارد بر آنچه که حکم کرده ای مطیع ای فریاد رس کسی که فریاد رسی ندارد ای فیض دائمی که پایان ندارد ای زنده کننده مردگان ای کسی که بر نفس انسان و آنچه که کسب کرده حکم فرمایی میان من و قوم من داوری کن که تو بهترین داوری کنندگانی ((

اسب آن حضرت بر گرد او می چرخید و پیشانی خود را به خون او آغشته می کرد و آن را می بوئید و آنگاه به سوی فرمانده کاروان هجوم می آورد و با صدای بلند شیحه می زد و با زبان حال می گفت فریاد ! فریاد ! از دست امتی که پسر دختر پیامبر شان را به قتل رساندند . زنان و کودکان از خیمه ها بیرون ریختند و زینب فریاد می کرد و امحمدا و ابنا و علیا و جعفر و حمزتا ای بزرگواران بنگرید این حسین شماس است که در این صحرا بر روی خاک افتاده است . این حسین شماس است که در کربلا در خون خود غلتیده است ای کاش آسمان بر زمین سقوط می کرد و کوهها بر روی دشتها متلاشی می شدند خورشید خاموش شد و آسمان خون بارید و در غروب آسمان سرخی شدیدی پدیدار گشت کاروانهایی که در خیمه ها بودند دچار طوفان شدند و آتش در آنها زبانه کشید و زنان و کودکان صحرا فرار کردند.

((سلام بر حسین علیه السلام))

سلام بر کسی که در خون خویش غلتیده ، سلام بر کسی که حرمت او پایمال گشت ، سلام بر پنجمین تن از اصحاب اهل کساء ، سلام بر غریب غریبان ، سلام بر شهید شهیدان ، سلام بر کشته شده بدست ستمگران ، سلام بر شهیدی که در کربلا آرام گرفت ، سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند .

سلام بر نسل پاک و مطهرش

سلام بر شیر عزّان دین ، سلام بر جایگاههای برهان الهی ، سلام بر پیشوایانی که سروران امتند ، سلام بر سربریدگان ، سلام بر گردنهایی که به خون غلتیده ، سلام بر لبهای خشکیده و تفتیده ،

سلام بر روحهای پر کشیده ، سلام بر پیکرهای برهنه ، سلام بر بدنهای عریان ، سلام بر خونهای جاری شده ، سلام بر اعضای قطعه قطعه شده . ای کشته شده ای که آسمان بر تو خون گریست و چهره زمین با غبار خون تو گلگون گشت .

((ترجمه شعر عربی))

او که جامه هایش در جنگ از خون قرمز شده بود
و در فردای محشر از سندس سبز رنگ خواهد بود
امامی که پدرش مرتضی آن پرچم هدایت بود
و جانشین پیامبر خدا و شاخسار درخت او و دامادش بود
امامی که انس و جن و آسمان ، وحوش و بیابانها و پرندگان خشکی و دریا بر او گریستند
و پیامبر در حق او سخنی گفت که راست و آشکار بود و شما آنرا به یاد ندارید
آن حضرت فرمود : که او دارای تربتی شفا بخش است و دارای گنبدی است که اگر رنج دیده ای
در زیر آن دعا کند مستجاب می گردد
و نسلی که چون درّ و جواهر از او بجای مانده اند 9 تن می باشند آنان پیشوایان حقند که این نه ، نه
هشت می شود و نه ده
آیا سزاوار است که حسین (ع) در کربلا تشنه لب شهید شود ؟
در حالی که از هرانگشت دست او دریایی جاری بود و پدرش در فردای قیامت ساقی تشنگان
حوض کوثر است و فاطمه مادرش آب رود فرات مهریه اوست .